



# همه جا بودن، هیچ جا نبودن!

محمد حسین معینی

او داده است.

خلاصه کلام آنکه رسانه‌ها صرفاً کانال‌هایی ارتباطی نیستند که اطلاعات و خوراک فکری تأمین کنند بلکه فرایند تفکر ما را نیز شکل می‌دهند.

با عادت به این ابزار جدید کسی مثل گذشته نمی‌تواند غرق در مطالعه کتاب شود؛ یکی دو صفحه که می‌خواند حواسش پرت می‌شود و رشته کلام را گم می‌کند. اگر بخواهد شیوه مطالعه گذشته را با حال مقایسه کند خواهد گفت: آن موقع در دریای متن کتاب و واژگان، غواصی می‌کردم اما اکنون فقط با جت‌اسکی در سطح این دریا حرکت می‌کنم. ذهن من الان عادت کرده است که اطلاعات را به شکل جریان سریعی از ذرات، جذب کند.

اگر سؤال کنید که مگر می‌شود استفاده از یک ابزار خاص مثل اینترنت، شیوه پردازش اطلاعات در مغز را تغییر دهد، برایتان از داستان نیچه و ماشین تحریرش می‌گوییم. نیچه به دلیل بیماری و کم شدن چشمش دیگر نمی‌توانست برای نوشتن از کاغذ و قلم استفاده کند. این ایام مصادف شد با اختراع ماشین تحریر و به این ترتیب، او توانست با چشمان بسته و با سرانگشتانش مطالب خود را تایپ کند؛ با این تفاوت که این بار نثر نیچه فشرده‌تر، تلگرافی‌تر و پرقدرت‌تر شده بود. به‌گونه‌ای که او اعتراف کرد که ابزار نگارش در شکل‌گیری

«نیکلاس کار» نویسنده‌ای در حوزه فرهنگ و فناوری است. او نگرانی خود از فناوری‌های جدید را با این سؤال آغاز می‌کند که «آیا گوگل، ما را ساده‌لوح می‌کند». وقتی دامنه بحث گسترش می‌یابد، موضوع تأثیرات این ابزار فناورانه بر شیوه تفکر ما می‌شود موضوع این کتاب و یافتن پاسخ این سؤال که آیا اینترنت ما را سطحی‌نگر کرده است. کتاب‌های دیگری هم از نیکلاس کار منتشر شده است که عبارت‌اند از: «ففس شیشه‌ای: چگونه کامپیوتر ما را تغییر می‌دهد» یا «از ادیسون تا گوگل، تغییر سیم‌کشی در جهان». در این کتاب، نویسنده می‌خواهد بگوید که اینترنت یک موهبت است ولی بابت استفاده از این موهبت، بهای قابل توجهی را پرداخته‌ایم؛ مثلاً با قرار دادن وبگردی به جای مطالعه عمیق و تفکر آرام، عدم تمرکز و حواس‌پرتی‌های ما بیشتر شده است.

در مورد اینترنت، صحبت از «فناوری» یا «محتوا» طرح مباحث انحرافی است تا ذهن را از تأثیرات رسانه بر الگوهای درک و فهم ما غافل کند.

به جمله زیر توجه فرمایید؛ کدام یک می‌تواند گفته یک دانشمند در حوزه رسانه باشد و کدام گویش یک سرمایه‌گذار ثروتمند شده در این حوزه؟

– محصولات علم مدرن، فی‌نفسه نه خوب‌اند نه بد بلکه روش استفاده از آن‌هاست که ارزششان را تعیین می‌کند. تأثیرات مخرب رسانه گناه استفاده‌کنندگان بدکار است.

– کسی که از فناوری هیچ سر در نمی‌آورد نمی‌تواند بگوید نحوه استفاده از رسانه اهمیت دارد. محتوای رسانه مثل یک تکه گوشت لذیذ است که دزد، جلوی سگ نگهبان ذهن ما می‌اندازد تا حواسش را پرت کند.

عبارت اول را صاحب امپراتوری و ثروت رسانه‌ای و مؤسس شبکه رادیو تلویزیونی RCA و NBC گفته و عبارت دوم پاسخی است که مارشال مک لوهان کانادایی (۱۹۸۰ - ۱۹۱۱) و مبدع اصطلاح «دهکده جهانی» به





کتاب : اینترنت با مغز ما چه می‌کند؟  
 نویسنده: نیکلاس کار  
 مترجم: محمود حبیبی  
 انتشارات : گمان  
 سال نشر : ۱۳۹۲  
 تلفن ناشر: ۰۲۱-۲۲۱۸۳۴۴۱

گرفته است. در واقع؛ با کم‌رنگ شدن فضای بین رسانه‌ها، ابزاری چند منظوره جای ابزارهای ویژه را گرفته و ذهن ما به لحاف چهل تکهٔ محتویات اینترنت عادت کرده است. از سوی دیگر با آسان شدن دسترسی به اطلاعات، اغلب مردم به اطلاعاتی کوتاه، خوشایند و چندپاره علاقه نشان می‌دهند. کوچک شدن محتوا با ترکیب شدن کتاب و اطلاعات از قبیل فیلم‌های ویدئویی در کنار رمان الکترونیکی کار را به جایی می‌رساند که دیگر صرفاً نمی‌توان رویکردی خطی به متن کتاب داشت.

کتاب که می‌خوانیم، با جریان ثابتی از اطلاعات مواجهیم که با تنظیم سرعت خواندن کتاب، آن را کنترل می‌کنیم ولی در اینترنت با شیرهای اطلاعاتی فراوانی مواجهیم که همگی تا آخر باز هستند. وقتی با عجله از یک شیر به سراغ شیر دیگر می‌رویم انگشتانمان از اطلاعات سرریز می‌شود و ملغمه‌ای از قطرات اطلاعات به حافظهٔ بلندمدت‌مان، که گنجایش یک وان حمام را دارد، منتقل می‌گردد. این را بگذارید کنار چندپنجره‌ای بودن این فناوری و انجام هم‌زمان چند کار که در واقع به ما یاد می‌دهد مهارت‌ها را در حد سطحی به دست بیاوریم. سنکا، فیلسوف رومی در دو هزار سال قبل، این شرایط را به بهترین شکل ممکن وصف کرده است: همه‌جا بودن در واقع یعنی هیچ جا نبودن.

افکار نقش دارد.

مسیرهای حیاتی مغز در پردازش اطلاعات، همان‌هایی هستند که اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرند و کمترین میزان مقاومت در آن مسیرهاست. هر چه پردازش اطلاعات در مسیرهای جدید بیشتر شود، بازگشت به مسیرهای قبلی پردازش اطلاعات دشوارتر می‌گردد.

ابزارها و فناوری‌های ساخته شده به دست بشر عواملی خنثی نیستند که درست در خدمت خواسته‌های کاربران‌شان قرار گیرند، بلکه متقابلاً بر استفاده‌کنندگان و شیوهٔ کار و حتی نظام اخلاقی آن‌ها مؤثرند. «فناوری‌های فکری» ابزارهایی هستند مثل نقشه، ساعت، دستگاه تایپ، چرتکه، خط‌کش محاسبه، رایانه و اینترنت که برای گسترش قدرت‌های ذهنی یا پشتیبانی از آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این فناوری‌ها و ابزارها گاهی آنچه را ما می‌خواهیم انجام می‌دهند. بعضی وقت‌ها هم می‌شود که ما خودمان را با آن‌ها تطبیق می‌دهیم.

اینترنت بر «کلمات»، «کتاب»، «کتابخانه» و تألیف هم تأثیراتی گذاشته است. «کلمه» به قدری فناورانه شده است که دیگر نمی‌توان آن را فناوری‌زدایی کرد. اکنون پس از گذشت حدود ۵۵۰ سال از اختراع گوتنبرگ، چاپ و محصولات آن از مرکز زندگی فکری ما به حاشیه رانده شده‌اند و اینترنت کم‌کم به جای دستگاه تایپ و چاپ، نقشه و ساعت، ماشین حساب و تلفن، اداره پست و کتابخانه و رادیو تلویزیون ما قرار